

اعجاز مدیریتی قرآن

حجت‌الاسلام امیر علی لطفی*
دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش مدیریت

چکیده

مقاله حاضر نظریه اعجاز مدیریتی قرآن را برای اولین بار مطرح و تلاش می‌کند زمینه ورود اثربخش آموزه‌های قرآنی در متن زندگی سازمانی و فرآیندهای مدیریتی را با رویکردی علمی، فراهم کند و مسأله حیاتی جدیدی را پیش روی اندیشمندان حوزه سازمان و مدیریت و صاحب‌نظران علوم قرآنی قرار دهد. نگارنده با تأکید بر عظمت وجودی و تبیین نیازهای مدیریتی و هدایتی انسان، به گستره مطالعاتی قرآن اشاره و تبیین و اثبات اعجاز مدیریتی قرآن را با دو نگاه متفاوت مطرح می‌کند و در ادامه با مروری به تاریخچه و سیر تطور اندیشه اعجاز قرآن، شاخص‌های مدیریت و رهبری قرآن و جلوه‌هایی از نفوذ و اثربخشی مدیریت آموزه‌های وحیانی را معرفی می‌نماید. سپس با تبیین کوتاه از چیستی نظریه، پیش‌نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، رویکرد اصلی و فرضیه‌های نظریه یاد شده را ارائه می‌کند.

واژه‌های اصلی: قرآن، مدیریت، اعجاز علمی قرآن، اعجاز مدیریتی، نظریه.

قرآن اعجاز جاوید پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ابعاد مختلف ادبی، تشریحی، علمی و... است. در عصر حاضر ابعاد دیگری از اعجاز قرآن مثل اعجاز اقتصادی و اعجاز تربیتی مطرح شده و این مقاله اعجاز مدیریتی را مطرح می‌سازد.

عظمت وجودی انسان

قرآن کریم انسان را موجودی آسمانی - زمینی و وابسته به غنی بالذات می‌شناسد. انسان جامع همه عالم‌ها و همه عوالم سایه او شمرده می‌شوند (خمینی، شرح دعای سحر، ص ۱۲۱، ۱۳۸۱) و به این خاطر از او به «کون جامع» تعبیر شده است. این موجود ملکی - ملکوتی، مقصود اصلی و اولی از همه عوالم است و اسرار الهیه و معارف حقیقیه به واسطه او ظاهر می‌شود. او با انجام فرائض و نوافل، سمع و بصرِ حق و واسطه بین حق و خلق می‌شود (خوارزمی، ج ۱، ص ۶۶).

تکوین انسان از نگاه قرآن سه مرحله «علمیت»، «شیئیت» و «عینیت» دارد (جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص ۸۰). انسان در اولین مرحله وجودی (علم الهی) تنها وجود علمی دارد و اثری از او در خارج نیست؛ «وَقَدْ خَلَقْتَك مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا» (مریم/۹). سپس از آن مرحله تنزل می‌کند و به «شیئیت» رسید؛ هر چند شیء ناچیز و غیرقابل ذکری بود؛ «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا» (انسان/۱). در همین مرحله است که قرآن حکیم به پدرها و مادرها می‌گوید: کار شما خلق فرزند نیست؛ بلکه «امناء» و نقل منی از جایی به جای دیگر است، «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقع، ۵۸-۵۹). آیه ۱۴ از سوره مؤمنون نیز به مرحله سوم اشاره دارد که طبق آن انسان در عالم خارج تحقق پیدا می‌کند، «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

انسان از نگاه قرآن، سه مرتبه وجودی دارد قرآن از لایه «خود حیوانی» که در شهوت و غضب و برخی از آرزوها و امیال نفسانی خلاصه می‌شود، این گونه یاد می‌کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» (محمد/۱۲).

در آیه‌ای دیگر خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر / ۳)؛ «رهایشان ساز تا بخورند و بهره گیرند و آرزو [ها] سرگرمشان سازد؛ پس به زودی خواهند دانست».

انسان براساس آموزه‌های آسمانی در مرتبه «خودانسانی»، صاحب مقام تفکر، تعقل، عزم و اراده است و رسالت شکوفایی و بهره‌مندی حداکثری از آن را دارد. اراده در ساختار شخصیت انسانی نقش کلیدی دارد و باید تعدیل شود؛ زیرا انسان می‌تواند با عزمی نیرومند، مصالح خویش را بر امیال مقدم بدارد و به سیر کمالی سرعت دهد و بدین خاطر «متحرک بالاراده»؛ نه «متحرک بالمیل» نامیده می‌شود. در قرآن کریم، آیات زیادی به این مرتبه از وجود انسانی اشاره دارد، مانند: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل / ۱۱)؛ ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (روم / ۲۴)؛ ﴿قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ﴾ (انعام / ۹۸).

بعد سوم از مراتب وجودی انسان که برترین خود او است، «خود خود خود انسان» است که متعلق به خودش نیست و انسان متعارف نسبت به آن امانت‌دار الهی است. به این بعد در سوره اسراء اشاره شده است. با این توضیح که، خداوند از رسیدگی به حساب و مورد سؤال بودن گوش، چشم و دل خبر می‌دهد. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء / ۳۶). براین اساس در نهان نهان انسان و در قلب قلب او موجود شریف دیگری هست و امامت «فؤاد» و زعامت قلب او در اختیار همان ودیعه مستور الهی است و این همان «خود الهی» و لایه برین انسان ناشناخته است.

حیطه حیات آدمی به دنیا و زندگی دنیوی او محدود نمی‌شود؛ بلکه زندگی مادی آغاز سیر زندگی اوست و مرگ انتقال از نشئه ظاهری مُلکی به نشئه باطنی و ملکوتی است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق / ۶).

منظور آیه این است که ای انسان! تو موجودی ابدی هستی و هرگز نابود نمی‌شوی. وقتی انسان ابدی بود و حیطه حیات او به عالم ماده محدود نشد،

کارها و رفتارهای او هم باید بر اساس همین عقیده تنظیم شود و نظام رفتاری، مدیریتی، حقوقی‌اش در همین راستا جهت‌دهی و تدوین گردد. در مناجات شعبانیه اوج عروج واقعی انسان این‌گونه به تصویر کشیده شده است:

«الهی هب لی کمال الانتطاع الیک وأنر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمه».

رسیدن به چنین مقامی، تنها با جمع بین حقوق و تکالیف متقابل و تأمین نیازهای هدایتی انسان ممکن است (ابن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۱۹۹).

حیاتی‌ترین رسالت ما در این دوران کوشش برای یافتن بهترین ساز و کارهای تلفیق آرمان‌های اعلای بشری و پیشرفت‌های ماشینی است. این اصل که «بشر رسالتی کهنه نشدنی دارد» حقیقتی است که از ماهیت انسان سر بر می‌آورد و در گفتار، کردار و اندیشه او گسترده می‌شود. رسالت انسانی اساسی‌ترین و نیرومندترین محرک او در گذرگاه تاریخ بوده است و نوع بشر از آغاز زندگی رسمی و بررسی پذیرش تا امروز، عقاید، کارها، اندیشه‌ها و آرزوهای روشنی در باره آرمان‌هایی که باید آن‌ها را به دست بیاورد، داشته است و این فعالیت‌های عقیدتی، فکری و عملی به عنوان یک بعد اساسی در برابر بعد «طبیعی محض» که کوشش‌های متنوع درباره به دست آوردن و تنظیم زندگی معمولی است، می‌باشد (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸ - ۴).

روح انسان با شکوفا شدن ابعاد عمیق‌اش، از مجموعه متشکل الاجزاء و روابط طبیعت، روزه‌های پرفروغی به عالم بالاتر از طبیعت می‌گشاید و با شعاع عظمت الهی، رابطه برقرار می‌کند و انسان تنها با این رابطه است که اجزای هستی را چون حباب‌هایی محدود در اقیانوس بی‌کران مشیت خدا در می‌یابد، «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي» «کهف / ۱۰۹»؛ «وَلَوْ أَنَّ فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَذَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ» «لقمان / ۲۷» (جعفری، همان، ج ۱، ص ۲۵).

نیازهای مدیریتی و هدایتی انسان

انسان، به عنوان خلیفه الهی، در مسیر هدایت و رسیدن به کمال، نیازمند راهنمایی و روشنگری خدای سبحان است، اما توان پاسخ‌گویی عقل برای تأمین

نیازهای هدایتی او کفایت نمی‌کند؛ زیرا در مجموعه آموزه‌های وحیانی، حقایقی نهفته است که انسان بدون کمک وحی، توان رسیدن به آن‌ها را ندارد. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نساء/ ۱۱۳). مرجعیت قرآن کریم برای پاسخ به همه نیازهای هدایتی بشر، مسلم و مورد اتفاق مفسران عامه و خاصه است. خداوند سبحان قرآن کریم را روشن‌گر هر چیزی معرفی می‌کند که می‌تواند در مسیر هدایت و رسیدن انسان به کمال و سعادت قرار بگیرد. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل / ۸۹).

هدایت، رهبری، مدیریت و مجموعه مسایل پیرامون آن‌ها، بخش عمده‌ای از نیازهای هدایتی انسان [۱] در زندگی فردی و اجتماعی‌اند که اهمیت و گستره آن، در هر دوره از زندگی نسبت به دوره‌های قبل آشکارتر شده است؛ زیرا برای شکوفایی ظرفیت‌های فطری و ظهور جلوه‌های خداگونگی انسان، راهی جز حضور آگاهانه، آزادانه و متعهدانه تک تک افراد بشر در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی وجود ندارد و تشکیل زندگی اجتماعی، تنها با ایجاد شبکه روابط انسانی در قالب نهادها و سازمان‌ها ممکن است؛ چنان که تاریخ حیات اجتماعی بشر و سیر دگرگونی و تحول جامعه‌ها، سندی روشن و دلیلی آشکار بر این مدعا است. اساسی‌ترین عنصری که انسان را از غیر انسان جدا می‌کند، «باید بشود» است که ناب‌ترین ویژگی آدمی است. اگر عمر همه جهان هستی میلیاردها میلیارد برابر عمر واقعی‌اش باشد، هیچ روزی فرا نخواهد رسید که یک جزء از این جهان (غیر انسان) یا کلّ مجموع هستی، آگاهانه و از روی احساس آزادی، جریانی به عنوان «باید بشوم» داشته باشد (جعفری، همان، ج ۱، ص ۳۵). آموزه‌های وحیانی و تعلیم و تزکیه انسان در سایه تعالیم آسمانی، مطمئن‌ترین مسیر تبیین و ترسیم بایسته‌های حیات فردی و اجتماعی انسان است.

گونه‌شناسی مطالعات مدیریتی قرآن

پژوهش‌های قرآنی با نگاه مدیریتی برای کشف و تبیین مسایل و موضوع‌های مدیریتی قرآن و پاسخ به نیازها و پرسش‌های مربوط، گستره متنوع و

متفاوتی دارد. قرآن پژوهی با رویکرد مدیریتی را می‌توان بر اساس جهت‌گیری محقق، روش تحقیق، موضوع و مسایل پژوهش، در محورهای چهارگانه زیر طبقه‌بندی کرده و سازمان داد.

۱. تفسیر ترتیبی قرآن با جهت‌گیری استنباط و استخراج پیام‌های مدیریتی از آیه‌های قرآن [۲]

محقق در این نوع از پژوهش قرآنی تلاش می‌کند آیه‌ها را به ترتیب سوره‌ها و بر اساس اصول، مبانی، قواعد و ضوابط صحیح، تفسیر کند، آن‌گاه پیام‌های مدیریتی آیه‌ها را (در صورت امکان) استخراج و تبیین کند، سپس مجموعه این پیام‌ها را به تفکیک هر یک از سوره‌ها و بر اساس ساختار موضوع‌های دانش مدیریت، سازمان دهد. محقق با برقراری ارتباط بین پیام‌های مدیریتی همه سوره‌ها، «شبکه پیام‌های مدیریتی» قرآن را طراحی می‌کند و در گام بعدی می‌کوشد مقدمه‌های نظریه‌پردازی و نظام‌سازی مدیریتی به تناسب نیازها و مشکلات جامعه را فراهم آورد تا از این راه، علاوه بر فراهم شدن زمینه‌های رویارویی علمی با مکاتب و اندیشه‌های رقیب، وجوه امتیاز و برجستگی‌های نظام مدیریتی قرآن کریم را آشکار سازد.

۲. تفسیر موضوعی قرآن با تمرکز بر موضوع‌های مدیریتی

این رویکرد از قرآن‌پژوهی به دو شیوه انجام می‌پذیرد.

الف. محقق مسایل و موضوع‌های مدیریت (اعم از مسایل و موضوعات دانش یا مسایل و موضوعاتی که مدیران در عمل با آن روبه‌رو می‌شوند) را بر اساس ساختار علمی موضوعات و در چارچوبی روشمند به قرآن عرضه می‌کند و با رعایت ضوابط و قواعد تفسیر صحیح، پاسخ‌های قرآنی را کشف و تبیین می‌کند.

ب. محقق مسایل و موضوع‌های مدیریتی را از خود قرآن استخراج می‌کند و پس از طبقه‌بندی و ایجاد نظام علمی موضوع‌ها، آیه‌های ناظر به هر یک از آن‌ها را شناسایی و تعیین می‌کند، آن‌گاه، به تفسیر آیه‌ها و کشف و تبیین پاسخ‌های قرآنی مشغول می‌شود. برداشت‌های تفسیری و استنباط‌های علمی محقق از مجموع آیات ناظر به هر یک از موضوعات و مسایل، مجموعه‌ای از گزاره‌ها را

تشکیل می‌دهد که بر اساس آن، مبانی، اصول، قواعد و شیوه‌های مدیریتی قرآن، استنباط و تبیین می‌شود و مقدمات نظریه‌پردازی و نظام‌سازی مدیریتی بر اساس آیات قرآن و زمینه‌های رویارویی علمی با اندیشه‌ها و مکاتب رقیب، فراهم می‌آید.

تاریخچه و سیر دگرگونی اندیشه اعجاز قرآن

اعجاز و معجزه از اصطلاح‌های کلامی و به معنای امری خارق‌العاده همراه با تحدی و سالم از معارضه است و خداوند آن را به دست پیامبرش پدید می‌آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد. (المحصل، ص ۴۸۹)؛ (کشف‌الفوائد، ص ۲۷۱)؛ (المواقف، ص ۳۳۹).

اصطلاح معجزه و اعجاز به این معنا در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما معجزه بودن قرآن کریم با الفاظی مانند: بینه و آیه «اعراف / ۷، ۷۳، ۱۰۶»، برهان «قصص / ۲۸، ۳۲»، سلطان «ابراهیم / ۱۱، ۱۴»، بصیرت «انعام / ۶، ۱۰۴» و شیء مبین «شعراء / ۲۶، ۳۰» بیان شده است. واژه معجزه در معنای مصطلح آن، برای نخستین بار در اواخر قرن اول هجری در کلامی از امام سجاد علیه السلام «مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۱» به کار رفت. بحث درباره اعجاز قرآن کریم به عنوان متنی مقدس که از سوی خداوند نازل شده و بشر قدرت آفریدن متنی مانند آن را ندارد، به زمان نزول آن باز می‌گردد و در خود قرآن کریم، در ضمن «آیات تحدی»، به آن تصریح شده است. به اعتقاد دانشمندان، هر امر خارق‌العاده‌ای معجزه نیست؛ بلکه زمانی معجزه است که:

- ۱- مدعی پیامبری آن کار خارق‌العاده را شاهد صدق ادعای خود معرفی کند.
 - ۲- مخاطبان را به هموردی و معارضه فرا خواند.
 - ۳- مخاطبان انگیزه معارضه داشته باشند.
 - ۴- از معارضه سالم بماند (قرطبی، تفسیر، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱). (ر.ک. به: نصار، اعجازالقرآن، ص ۲۹۶-۲۸۶)؛ (مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۳۶).
- بحث اعجاز قرآن به قرن دوم هجری و پس از شیخ معتزله، واصل بن عطا، (م. ۱۳۱ق) برمی‌گردد. نظام معتزلی با ردّ اعجاز در نظم و تألیف قرآن، خبرهای غیبی قرآن را جنبه‌ای از اعجاز آن معرفی کرد. (مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۲۱).

پس از وی جاحظ با نگارش کتاب نظم‌القرآن، از نظریه «اعجاز در نظم قرآن» دفاع کرد و محمد بن زید واسطی در آغاز قرن چهارم، نظریه نظم قرآن جاحظ را ادامه داد (مباحث فی اعجازالقرآن، ص ۴۱؛ اعجازالقرآن، رافعی، ص ۲۷؛ الکشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۲). در همین قرن ابوهاشم جبایی به مخالفت شدید با نظریه نظم قرآن برخاست و فصاحت را معیار اعجاز قرآن معرفی و آن را به روانی واژگان و نیکویی معنا تفسیر کرد. وی با طرح نبود اختلاف میان آیات قرآن، جنبه دیگری از اعجاز را ارایه نمود.

در نیمه دوم قرن چهارم، رمانی با تبیین ویژگی‌های بلاغی قرآن، اعجاز در بلاغت را برجسته کرد. خطابی دانشمند معاصر رمانی نیز با تأکید بر اعجاز در بلاغت قرآن، تأثیرگذاری آیات بر جان مخاطبان را وجه دیگری از اعجاز قرآن شمرد که پس از وی عنوان «اعجاز تأثیری» به خود گرفت (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۸۴).

باقلانی در آغاز قرن پنجم، ارائه معارفی بلند در قرآن کریم از پیامبری امّی را عنوانی دیگر از وجوه اعجاز قرآن شمرد. از آن پس تا قرن سیزدهم هجری نظریه جدیدی در بحث اعجاز قرآن ارائه نشد. در دوره معاصر نیز، قرآن‌پژوهان با پذیرش بدیهی بودن اصل اعجاز قرآن و دوری از مجادله‌های کلامی، تحلیل و تبیین وجوه مختلف اعجاز قرآن را مورد تأکید قرار داده‌اند و اعجاز در تشریعیات و اعجاز آهنگ و موسیقی برخاسته از نظم الهی کلمات قرآن را نیز از دیگر وجوه اعجاز دانسته‌اند. (تفسیر ماوردی، ج ۱، ص ۳۳-۳۰؛ التسهیل، ج ۱، ص ۱۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم‌القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۲۶).

اسرار علمی و شگفتی‌های جهان طبیعت که در بسیاری از آیات قرآن کریم تصریح یا اشاره شده است، سرآغاز بحث‌های علمی فراوان قرار گرفت و دانشمندان و قرآن‌پژوهان زیادی را به خود مشغول کرد. برخی هم‌چون غزالی در جواهر القرآن و احیاءالعلوم با این اعتقاد که همه علوم و معارف بشری در قرآن هست تلاش‌های زیادی را برای استخراج دانش‌ها از قرآن تحمل کردند و دچار تأویل، تطبیق، تحمیل یا تفسیر به رأی شدند. بعضی دیگر مانند ذهبی، امین

بکری و عبدالسلام عبدالمجید محتسب، استخراج علوم از آیات قرآن را هدف تفسیر علمی خواندند و بعضی دیگر مانند احمد عمر ابوحجر و فهد بن عبدالرحمن رومی، اثبات اعجاز قرآن و کشف سرّی از اسرار اعجازی آن را غایت و غرض تفسیر علمی شمردند. نظریه اعجاز علمی قرآن که از دست‌آوردهای تفسیر علمی است، برای نخستین بار، از سوی رشیدرضا در المنار (رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۰) و سپس طنطاوی در جواهرالقرآن که رویکردی بی‌سابقه به کشفیات علوم تجربی در زمینه‌های مختلف و تطبیق آن‌ها بر قرآن کریم داشتند، مطرح شد. این وجه از اعجاز قرآن، با استقبال گسترده دانشمندان اسلامی روبه‌رو شد و تاکنون آثار فراوانی درباره آن تألیف شده است. در دهه‌های اخیر «نظریه نظم ریاضی قرآن» و «اعجاز عددی» نیز، از سوی رشاد خلیفه (پژوهش‌گر مصری با دکترای بیوشیمی) به عنوان یکی از زیرشاخه‌های اعجاز علمی به دایره وجوه اعجاز قرآن افزوده شد؛ البته تلاش‌هایی نیز برای تبیین و اثبات اعجاز اقتصادی و اعجاز تربیتی قرآن انجام گرفته است و ادامه دارد؛ اما در خصوص اعجاز مدیریتی قرآن، هنوز بحثی مطرح نشده و برای اولین بار در این پژوهش تلاش می‌شود مباحثی روشمند و مستند پیرامون آن ارائه شود.

مفهوم‌شناسی اعجاز قرآن کریم در حوزه مدیریت و رهبری

دو تبیین و تصویر مستقل از اعجاز مدیریتی قرآن وجود دارد. در یک نگاه، منظور از وجود آیات و آموزه‌هایی در قرآن است که مطالب و دقائق علمی را در قلمرو مسایل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده‌اند؛ اعم از مطالب علمی که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش بشری شمرده می‌شود و کشف و تبیین آن‌ها از سوی دانشمندان، و حیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام آوری نبی اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خدا را اثبات می‌کند.

در نگاه دوم منظور این است که قرآن کریم از زمان نزول تاکنون در حوزه مدیریت و رهبری انسان و جامعه کارکرد اعجاز‌گونه داشته و جلوه‌هایی از اعجاز

خود را در پرورش مدیران و نهادسازی و هدایت و رهبری نهادها و سازمان‌ها به اثبات رسانده است. شخصیت عظیم پیامبر گرامی و ائمه عصمت و طهارت - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین - و تحول چشمگیر جامعه عربستان و شکل گرفتن کانون‌های عشق و ایمان و جهاد و شهادت در طول تاریخ اسلام از بارزترین مصادیق اعجاز مدیریتی قرآن می‌باشد.

فراخوانی مخاطبان به هم‌آوردی و معارضة، ایجاد انگیزه برای معارضة و اقدام و رویارویی عملی آنان با قرآن، تسلیم شدن معارضان در برابر قرآن و عجز آنان از آوردن مثل آن، پیش‌بینی قطعی نوع رویارویی و معارضة مخاطبان با قرآن و پیامبر، پاسخ به شبهه‌های مخالفان عصر نزول (قدرت تصمیم و اقدام)، رفع زمینه شبهه‌های قطعی‌الوقوع از سوی معاندان (قدرت پیش‌بینی آینده و برنامه‌ریزی اقدام و رویارویی مؤثر)، عرضه محتوای هماهنگ با فطرت بشری و متناسب با همه نمودهای عینی آن، بیان نمادین و رمزگونه از سبک‌های متنوع و موفق هدایت، رهبری و مدیریت پیامبران، اشاره‌های دقیق و علمی به مبانی و گونه‌های رفتار مؤمنان، کفار و منافقان، ایجاد نظام معنایی جامع و جاودانه برای جذب، هدایت و رهبری انسان‌ها، پرورش انسان‌های وارسته، رهبرانی مقتدر و پیروانی ثابت قدم، رویارویی پیروزمندانه با مکاتب و اندیشه‌های رقیب و انحرافی، زدودن نقاب از باطل‌های حق‌نما و... از جمله نشانه‌های رهگیری و تبیین اعجاز مدیریتی قرآن کریم است.

شاخص‌های مدیریت و رهبری قرآن

آنچه طی قرون متمادی، فوق‌العاده بودن و برجستگی عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم را نمایان کرده، مجموعه عواملی است که کشف و تبیین آن از سوی دانش سازمان و مدیریت هنوز بسیار زود است و به یقین بدون یاری آموزه‌های وحیانی، انتظار دسترسی به اسرار و شگفتی‌های نهفته در فرآیندهای مدیریت و رهبری قرآن، غیرمعقول و دور از انتظار است.

عناصری چون فطرت، ایمان، شهود، وجهه خلیفه‌اللهی انسان، امدادهای غیبی، ربوبیت تکوینی و تشریحی، دو ساحتی بودن [ساحت مِلکی و ساحت

ملکوتی] پدیده‌های جهان مادی [اعم از پدیده‌های طبیعی و واقعیت‌های اجتماعی]، هدفمندی و یک‌پارچگی جهان هستی، پیوستگی و نظام‌مندی جهان طبیعت و مجردات، ارتباط وثیق و عمیق امور دنیوی و اخروی و... از جمله اموری‌اند که به عنوان وجوه امتیاز و عوامل تعیین‌کننده در فرآیندهای رهبری و مدیریت قرآن‌کریم و نظام‌های معرفتی و رفتاری برخاسته از آن، نقش آفرینی می‌کنند. ارتباط و انس هرچه بیشتر انسان و جامعه با آیات قرآن، زمینه‌ها و ظرفیت‌های تجلی کلام الهی در عمل و اندیشه تک‌تک افراد جامعه و شبکه روابط و مناسبات اجتماعی را فراهم می‌کند (زمر/ ۳)، استعداد اطاعت متعهدانه و مبتنی بر شهود قلبی و معرفت عقلانی افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها از کلام الهی و ائمه معصومان علیهم‌السلام را شکوفا می‌نماید (بقره/ ۲۸۵)؛ «آل عمران/ ۸»، تا جلوه‌های خداگونگی در اندیشه، رفتار و گفتار آحاد افراد جامعه و هر یک از نهادها و سازمان‌ها برجسته شود «فرقان/ ۷۶-۶۳» و شواهد، مستندات و نشانه‌های اعجاز مدیریتی قرآن کریم آشکار و برتری و خارق‌العاده بودن عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم مستند و مستدل شود.

جلوه‌هایی از نفوذ و اثربخشی مدیریت قرآن

با درنگی اجمالی در سخنان گوهربار امیر کلام علی علیه‌السلام با گزاره‌هایی در بیان حقیقت قرآن روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند راهنمای روشنی برای کشف، احراز و تبیین وجهی از وجوه اعجاز مدیریتی قرآن یا اعجاز مدیریت در قرآن و استدلال به آن‌ها باشد.

۱. نورانی بودن قرآن کریم

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نوری هدایتگر انسان‌ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن نور، قرآن کریم است «نهج‌البلاغه، خ ۱۵۸». خداوند نورانیت قرآن را تمام، و دین خود را به وسیله آن کامل کرد «همان، خ ۱۸۳». قرآن نوری است که خاموشی ندارد و چراغی است که درخشندگی آن زوال نمی‌پذیرد «همان، خ ۱۹۸». شعله‌ای است که نور آن تاریک نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸».

نوری است که با وجود آن، تاریکی یافت نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸».
بدون آن تاریکی‌ها، بر طرف نمی‌شود «همان، خ ۱۸».
نوری آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرو می‌نشاند «همان، خ ۱۵۶».

۲. استواری و هدایت‌گری قرآن کریم

قرآن خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد «همان، خ ۱۳۳».
بنایی است که ستون‌های آن خراب نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸».
معدن ایمان و اصل آن است «همان، خ ۱۹۸».
پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است «همان، خ ۱۹۸».
سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است «همان، خ ۱۹۸».
هدایتگری است که نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا بیان می‌کند «همان، خ ۱۶۷».
راهنمای گویا و دستوری استوار است «همان، خ ۱۶۹».
نشانه هدایت برای کسی است که در آن بنگرد «همان، خ ۱۹۸».
کسی با قرآن همنشین نشد؛ مگر آن‌که در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست «همان، خ ۱۷۶».
کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون آن، هرگز بی‌نیاز نخواهد بود «همان، خ ۱۷۶».
نجات دهنده کسی است که حافظ قرآن باشد و به آن عمل کند «همان، خ ۱۹۸».

۳. ژرفای شگفت‌انگیز قرآن کریم

قرآن دریایی است که ژرفای آن درک نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸».
چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم است «همان، خ ۱۹۸».
نهرهای زلال و جاری حقیقت، و سرزمین‌های آن است «همان، خ ۱۹۸».
دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود، و اسرار نهفته‌اش پایان نمی‌پذیرد «همان، خ ۱۸».
فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده برای صالحان است «همان، خ ۱۹۸».
دریایی است که تشنگان، تمام آب را نمی‌توانند بکشند و چشمه‌ای است که آب آن کاستی نمی‌پذیرد و محل برداشتِ آبی است که هرچه از آن بگیرند، کاهش نمی‌یابد «همان، خ ۱۹۸».

۴. شفابخشی قرآن کریم

در سختی‌ها از قرآن یاری بجویید، «همان، خ ۱۷۶».
درمان خود را از قرآن بخواهید «همان، خ ۱۷۶».
درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی هست
«همان، خ ۱۷۶».

قرآن شفابخش دردهای انسان است «همان، خ ۱۵۸».
از نور آن شفا و بهبودی بخواهید؛ زیرا شفای سینه‌های بیمار است «همان، خ ۱۱۰».
شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را می‌زداید «همان، خ ۱۹۸».
دارویی است که با وجود آن بیماری وجود ندارد «همان، خ ۱۹۸».

۵. جامعیت و مرجعیت قرآن کریم

قرآن سامان دهنده امور فردی و اجتماعی انسان‌هاست «همان، خ ۱۵۸».
جامع علم آینده، و حدیث گذشته است «همان، خ ۱۵۸».
اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی انسان‌ها را در خود
جای داده است «همان، ح ۳۱۳».
از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید، و خویشتن را با آن اندرز
دهید، و رأی و نظر خود را در برابرش متهم کنید، و خواسته‌های خود را که با آن
مطابق نیستند، نادرست بشمارید «همان، خ ۱۷۶».
خواسته‌های خود را به وسیله قرآن از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن، به
خدا روی آورید، و با وجود آن، از خلق خدا چیزی نخواهید؛ زیرا وسیله‌ای،
برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد «همان، خ ۱۷۶».
شفاعت قرآن پذیرفته و سخن آن تصدیق می‌شود. آن کس که قرآن در
قیامت شفاعت‌اش کند، بخشوده می‌شود، و آن کس که قرآن از او شکایت کند،
محکوم است (در روز قیامت ندا دهنده‌ای بانگ می‌زند که: «آگاه باشید امروز هر
کس گرفتار بذری است که کاشته و دچار عملی است که انجام داده است؛ جز
اعمال منطبق با قرآن») «همان، خ ۱۷۶».

۶. سخن‌گویی و بازدارندگی قرآن کریم

قرآن فرماندهی بازدارنده است؛ «همان، خ ۱۸۳».

ساکتی گویا و حجّت خدا بر آفریده‌ها است «همان، خ ۱۸۳».

سخن‌گویی است با زبان گویا که هیچ‌گاه از حق‌گویی گُند و خسته نمی‌شود «همان، خ ۱۳۳».

سخن‌گویی که هرگز دروغ نمی‌گوید «همان، خ ۱۷۶».

کسی که با قرآن سخن بگوید، راست گفته و هر کس بدان عمل کند، پیشتاز است «همان، خ ۱۵۶».

کتابی است که تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد، و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود «همان، خ ۱۵۶».

پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد «همان، خ ۱۷۶».

جداکننده حق از باطل است و درخشش برهان آن خاموش نمی‌گردد «همان، خ ۱۹۸».

برهانی است برای کسی که با آن سخن بگوید «همان، خ ۱۹۸».

عامل پیروزی است برای کسی که با آن استدلال کند، «همان، خ ۱۹۸».

۷. عزت و شکست‌ناپذیری قرآن کریم

قرآن؛ صاحب عزتی است که یاران آن هرگز شکست نمی‌خورند «همان، خ ۱۳۳».

قدرت برای کسی است که آن را برگزیند «همان، خ ۱۹۸».

قدرتی است که یاوران آن شکست ندارند، «همان، خ ۱۹۸».

محل امن برای هرکس است که وارد آن شود «همان، خ ۱۹۸».

سپر نگهدارنده‌ایی است برای کسی که خود را با آن بپوشاند «همان، خ ۱۹۸».

ریسمان محکم الهی است «همان، خ ۱۵۶».

ریسمانی است که رشته‌های آن محکم است «همان، خ ۱۹۸».

پناهگاهی است که قلّه‌های آن بلند است «همان، خ ۱۹۸».

نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده کسی است که به آن چنگ زند «همان، خ ۱۵۶».

حقی است که یاری کنندگان آن مغلوب نمی‌شوند «همان، خ ۱۹۸».

۸. خزانه‌داران علوم و معارف قرآن کریم

پیامبر ﷺ زبان گویای قرآن است «همان، خ ۱۵۸».

ما اهل بیت پیامبر ﷺ خزانه‌داران علوم و معارف وحی، و درهای ورود به آن معارف، می‌باشیم «همان، خ ۱۵۴».

اهل بیت پیامبر ﷺ گنجینه‌های علوم خداوند رحمان‌اند، اگر سخن بگویند، راست می‌گویند، و اگر سکوت کنند، هرگز کسی بر آنان پیشی نمی‌جوید؛ «همان، خ ۱۵۴».

وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور کنند، خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند؛ هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند؛ (در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد) «همان، خ ۱۳۸».

چیستی نظریه

اندیشمندان برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوتی از نظریه دارند، مانند:

- ۱- نظریه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از سازه‌ها (Construets)، مفاهیم (Conepts)، تعاریف و قضایاست که برای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، از راه تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام‌دار درباره این پدیده‌ها ارائه می‌دهد. (هومن، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، ص ۱۱).
- ۲- نظریه مجموعه‌ای از تعریف‌ها و پیشنهادها درباره تعدادی متغیر به هم پیوسته است، که همه این تعریف‌ها و پیشنهادها، بُعد منظم و مدونی از وقایع و پدیده‌هایی را که در اثر همبستگی‌ها و تداخل این متغیرها به وجود می‌آید، ارائه می‌دهد (نادری - نراقی، ۳۲).
- ۳- نظریه‌ها، در واقع دام‌هایی‌اند که ما برای آن گسترده‌ایم تا آنچه را که «جهان» نامیده می‌شود، صید کنیم تا حلقه‌های شبکه دام را تنگ‌تر و تنگ‌تر سازیم (پویر، ۶۳).
- ۴- تئوری بیان‌کننده مجموعه‌ای از مفاهیم یا فرض‌هایی است که به صورت سیستماتیک توجیه کرد (رابینز، تئوری سازمان، ۴۷).
- ۵- مجموعه‌ای از بیانیه‌هایی است که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند. (همو، ص ۹۵).

بنابراین در نگاهی کلی و جامع می‌توان گفت: نظریه [۳] بیانی منظم، انتزاعی، موجز، متشکل از قضایا، مستدل و منطقی، مبتنی بر یک سلسله مطالعات علمی، مبین یک اصل کلی یا مجموعه‌ای از اصول مربوط به چگونگی و چرایی واقعیت‌ها یا رویدادها در سطح خرد یا کلان است.

هر نظریه تنها انعکاس‌دهنده و تبیین‌کننده بخشی از واقعیت است که در یک کلیت به هم پیوسته، فهم می‌شود. یک نظریه معمولاً چهار بُعد شناختی (معرفت ناظر به واقع)، عاطفی (تجسم تجربه و احساسات نظریه‌پرداز)، بازانديشي (شیوه‌ای برای درک واقعیات) و هنجاری (ارائه مفروض‌های پنهان و آشکار در این که واقعیت باید چگونه باشد) دارد.

کار اصلی یک نظریه تبیین و در مرحله بعد تعمیم (و بر همین اساس، اعطای قدرت پیش‌بینی) است. تبیین انواعی دارد که مهم‌ترین و پرکاربردترین آن تبیین علی است. هر نظریه معمولاً امکان طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی درباره واقعیت را برای محقق فراهم می‌سازد. (شرف‌الدین، ماهیت و چیستی نظریه، ص ۱-۳).

عمده کارکردهای مورد انتظار از یک نظریه عبارت است از:

۱. محدود ساختن افق دید و گستره علایق محقق و جهت دادن به آن در تمرکز بر پدیده‌های خاص یا بخش‌هایی از یک پدیده.
۲. تعیین و مشخص ساختن مسیر مطالعات علمی با انواع اطلاعات مربوط.
۳. امکان‌یابی ربط اطلاعات مربوط به یک‌دیگر و طبقه‌بندی آن‌ها.
۴. امکان‌دهی به توصیف و تبیین پدیده‌ها: اساسی‌ترین کاربرد یک نظریه، توضیح مجموع پدیده‌هایی است که نظریه معطوف بدان است.
۵. امکان‌دهی به تعمیم اطلاعات و نتایج به دست آمده به پدیده‌های مشابه.
۶. پیش‌بینی حقایق و واقعیات: یک نظریه به محقق امکان می‌دهد تا موارد مشاهده نشده، مرتبط را پیش‌بینی کند.
۷. زمینه‌سازی برای طرح فرضیات جدید.
۸. آشکار ساختن و کشف شکاف‌های موجود در دانش بشری: نظریه‌ها، ابزارهای مناسبی برای روشن ساختن وضعیت موجود یک حوزه معرفتی‌اند.

۹. امکان‌دهی به توجیه پدیده‌ها با حداکثر احتمال (همو، ص ۵).

یک نظریه علمی و پذیرفتنی باید این ویژگی‌ها را داشته باشد:

۱- **استحکام درونی**، قضایای همگام و غیرمتضاد داشته باشد، سوء تفاهم و ابهام ایجاد نکند، تناقض محتوایی نداشته باشد، فرضیات آن با یک‌دیگر سازگار و اصطلاحات به کار رفته در آن بی‌ابهام باشند و قضایای آن از استحکام و تداوم منطقی برخوردار باشند.

۲. **استحکام برونی**، قضایای آن با موازین دنیای خارج، که در واقع محک‌های استنباطات پژوهشی (Research Inferecce) شمرده می‌شوند، تطبیق‌پذیر باشند.

۳. **مستندات قوی**، به مجموعه قابل توجهی از اطلاعات، مستندات و شواهد متقن تکیه کند.

د- **قابلیت سنجش**، قابلیت سنجش داشته باشد و با ارجاع به مستندات و شواهد مختلف، آمادگی لازم برای تایید یا رد را داشته باشد.

۴. **عملیاتی بودن**، در جهان واقع قابل اعمال و بهره‌گیری باشد، با واقعیات مشهود رابطه برقرار کند و به عبارتی از حالت نظری و تجریدی خارج شود. برخی این ویژگی را در ذیل «آزمون‌پذیری» ذکر کرده‌اند. در آزمون‌پذیری یک نظریه، برخی فیلسوفان علم، قابلیت ابطال (ابطال‌پذیری) و برخی تأیید و اثبات (اثبات‌پذیری) توسط شواهد تجربی را شاخص مقبولیت و اعتبار آن ذکر کرده‌اند.

۵. **قابلیت تعمیم**، تا حد امکان، عمومیت داشته و به کلیه موارد مشابه تعمیم‌پذیر باشد.

۶. **صرفه‌جویی علمی**، تا حد امکان موجز و مختصر باشد و با حداقل فرضیات و مفاهیم به شرح و تبیین موضوع مورد نظر بپردازد. (همو، ص ۹-۸).

پیش‌نیازهای نظریه اعجاز‌مدیریتی قرآن

الف) نگاه کارکردی به قرآن؛ اولین پیش‌نیاز نظریه اعجاز‌مدیریتی قرآن

بخشی از کارکردهای مدیریتی قرآن که حقیقتی زنده و آسمانی است و با ساختار لفظی معین در قالب کتابی مشخص و در دوره زمانی محدود (۲۳ سال) از لوح محفوظ و جهان ملکوت به عالم ماده تنزل یافته، عبارت است از:

۱. تنها نظامی (ساختار معنایی) است که معنویت را در همه جهات مادی فرد، سازمان، حکومت و جامعه منعکس و نهادینه می‌کند.
۲. شبکه معرفتی جامع و جاودانه‌ای است که در جذب افراد انسانی و هدایت و رهبری آنان در مسیر اهداف و روشن کردن راه سعادت و نقاب‌زدایی از چهره باطل، همه جهان را به مبارزه طلبیده است.
۳. راهنما و راهبر بی‌نظیری است که با نشانه‌های آشکار و براهین استوار و متانت گفتار و عفت بیان، در قرن‌های متمادی، در پرورش انسان‌های وارسته، رهبران مقتدر، پیروان ثابت‌قدم و نیز ایجاد نهادها و ساختارهای کارآمد و آفرینش فرهنگ‌های الهام‌بخش، نقش‌آفرینی کرده است.
۴. تنها کانون معرفت و معنویت است که با گشودن چشمه‌های دانش و جاری کردن نهرهای زلال حقیقت به روی بشر، نمادهای جهالت و ضلالت و یاران فساد، استبداد و استعمار را افشا کرده و ارزش‌های متعالی را با رذیلت‌ها و شقاوت‌ها جایگزین کرده است.
۵. عزت و شوکت دارد که با تکریم نفوس و صیانت از حقوق و بسط آزادی‌های معنوی، جامعه‌ای بزرگ و امتی نمونه و عظیم را بنا نهاد که هنوز سرآمد جوامع بشری و الگوی مصلحان اجتماعی و آزادی‌خواهان عدالت‌گستر در سراسر عالم است.
۶. رهبر و هدایت‌کننده‌ای است که بانفوذ در اعماق دل و جان، روح انسان‌ها را از اعجاب و تحسین پرمی‌سازد و به پیروان خود می‌آموزد که سست نشوند، غمگین نباشند، و با ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی، امید، نشاط، استقامت و پایداری، انواع قدرت‌ها را تحصیل کنند که سرانجام، پیروزی قطعی و عزت و دولت پایدار برای آن‌هاست؛ اگر ایمان آوردند و به توصیه‌های آن عمل کنند.
۷. سخن‌گویی با زبان گویا است که همه فتنه‌ها، توطئه‌ها و هجمه‌های مخالفان در طول تاریخ را که با هدف تحریف قرآن و انزوای اندیشه‌های توحیدی برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌شد، به شکست و رسوایی کشانده است. بنابراین قرآن کریم که معجزه‌ای زنده و گویا است مانند خورشید تابان و دریای جوشان، در همه شرایط زمانی و مکانی، رسالت هدایت، رهبری و مدیریت اثربخش خود را به طور کامل انجام داده است و همچنان برای آینده تارخ بشریت، راهنمای مطمئن و راهبری مقتدر است ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾.

ب) جواز تفسیر علمی [۴] قرآن

رویکردهای مختلفی درباره تفسیر علمی قرآن وجود دارد، اما مقصود ما موارد زیر است.

۱. جواز استخدام علوم و امکان کمک گرفتن از یافته‌های دانش برای توضیح مفاد و مقصود از آیات قرآن.
۲. امکان استخراج و استنباط مطالب علمی (کشفیات جدید علوم) از آیات قرآن.
۳. امکان پاسخ‌گویی قرآن به پرسش‌ها و ابهام‌هایی که از سوی علوم در مورد محتوای آیات مطرح می‌شود.
۴. امکان استنباط مطالب علمی به مناسبت محتوای آیات.

ج) وجود آیات مدیریتی قرآن کریم

وجود آیات مدیریتی در قرآن، شرط لازم امکان یا جواز تفسیر مدیریتی است که می‌تواند یکی از شاخه‌های تفسیر علمی نیز شمرده شود. برای دستیابی به تفسیر مدیریتی معتبر، مراحل به شرح زیر را می‌توان مطرح کرد و به بحث و بررسی عالمانه آن با رویکرد انتقادی پرداخت.

۱. تعریف و طبقه‌بندی آیات مدیریتی قرآن؛
۲. تعمیق فهم و گسترش مدلول آیات؛
۳. استخراج مضمون‌ها، مفاهیم و پیام‌های مدیریتی آیات؛
۴. استنباط و تبیین مطالب علمی مدیریت از آیات (مبانی، اصول، قواعد، مسایل، روش‌ها و...)
۵. مدل‌سازی و نظام‌پردازی بر اساس مجموعه آیات مدیریتی قرآن؛
۶. رویارویی علمی با اندیشه‌ها و مکاتب رقیب و پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و ابهام‌ها پیرامون محتوای آیات.

رویکرد نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم، پیشینه تاریخی، آرا و دیدگاه‌های اندیشمندان موافق و مخالف اعجاز قرآن (به ویژه اعجاز علمی قرآن) را به چالش می‌کشد و مبانی آنان را با رویکرد انتقادی، تحلیل و بررسی می‌نماید و با

جمع‌آوری و تحلیل محتوایی اسناد و شواهد قرآنی، روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و بهره‌گرفتن از دانش تخصصی مدیریت و سازمان، نشان می‌دهد که قرآن کریم برای اداره انسان، جامعه، حکومت، نهادها و سازمان‌ها (اعم از نهادهایی که در طول تاریخ زندگی بشر شکل گرفته است و سازمان‌هایی که هر روز به تنوع، گستردگی و پیچیدگی آن‌ها افزوده می‌شود)، مبانی، اصول، قواعد، مسایل و شیوه‌هایی دارد.

- ۱- خارق‌العاده و فراتر از افق عقل و تجربه بشری است؛
- ۲- از هیچ فرد یا گروه انسانی حتی نوابغ جهان ساخته نیست و دانش تخصصی موجود، تنها به بخشی از آن‌ها دست یافته است؛
- ۳- از نظر زمان، مکان، کیفیت، نوع و دیگر شرایط محیطی، به هیچ فرد، گروه، جامعه یا دوره‌ای از حیات بشری محدود نیست؛
- ۴- برای همه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، حکومت‌ها، جوامع و دوره‌های حیات انسانی نتیجه‌بخش و راه‌گشا است؛
- ۵- از انسجام و توانایی فوق‌العاده برای تعامل الهام‌بخش، سازنده و رویارویی مقتدرانه با هر مکتب و اندیشه مدیریتی معارض برخوردار می‌باشد و شکست‌ناپذیر است؛ زیرا از نیروی لایزال و نامحدود خداوند علیم و حکیم سرچشمه گرفته و پیوسته به آن متکی است.

فرضیه‌های نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بشر در چگونگی اداره خود و دیگران و مدیریت گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها، حکومت‌ها و جوامع، نیازمند آموزه‌های وحیانی است و یافته‌های تجربی و دستاوردهای عقلانی به تنهایی برای اداره آن‌ها کفایت نمی‌کند. هم‌چنین شیوه‌های هدایت، رهبری و مدیریت قرآن کریم برخاسته از اسباب و علل فراطبیعی و فراتر از نیروی محدود بشری است؛ تسلط بر فرآیند هدایت، رهبری و مدیریت قرآن فراتر از محدوده توان انسان عادی است و نیازمند تبیین و تفسیر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و این بُعد از اعجاز کلام الهی، به عنوان نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم قابل اثبات و تبیین علمی و کاربردی است.

در چارچوب نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، نظام‌های عقلانی - معرفتی و نظام‌های رفتاری - تجربی کارآمد و اثربخش (و ممتاز از آنچه که در حوزه عقل و تجربه مطرح شده است) به تناسب هر یک از جوامع و دوره‌های حیات بشری قابل کشف و تبیین است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] چنان چه اموری مانند: ۱- آشنا ساختن انسان با خویشتن؛ ۲- اثبات احترام ذات؛ ۳- پذیرش تعهد انسانی برین؛ ۴- تعدیل خود طبیعی؛ ۵- آزاد کردن انسان از مطلق سازی‌ها؛ ۶- رها ساختن انسان از کابوس جبرهای نمایشی و تقویت اختیار؛ ۷- تفکیک امتیازهای جبری از امتیازهای تکاملی؛ ۸- شناخت و ارزیابی هدف و وسیله؛ ۹- آشنایی با خود برای زیستن با خود، و تفسیر «از خود بیگانگی»؛ ۱۰- شکوفا شدن فطرت؛ ۱۱- توجیه منطقی رابطه فرد و اجتماع و... بخش دیگری از نیازهای هدایتی انسان می‌باشند.

[۲] روش تفسیر علمی از آن جهت که استخدام علوم در فهم قرآن است و نتایج مشخص و جدید به دنبال دارد و از منبع و ابزار ویژه در تفسیر استفاده می‌کند، از روش‌های تفسیری به شمار می‌رود و چون برخی مفسران - مثل طنطاوی در الجواهر - مطالب زیادی از علوم تجربی را در تفسیر نقل کرده‌اند، گرایش تفسیری به شمار می‌آید (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۳)، (روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن)، ص ۱۹).

[۳] چهار تعبیر درباره چگونگی ارتباط نظریه با واقعیت، وجود دارد که باربور در کتاب «علم و ودین» بدان اشاره کرده است.

۱. نظریه به عنوان خلاصه داده‌ها (پوزیتیویسم): بسیاری از دانشمندان تجربی مفاهیم و نظریه‌ها را خلاصه داده‌ها و محصول مشاهده‌های حسی و تجربی می‌دانند (باربور، علم و دین، ص ۱۹۸)؛

۲. نظریه هم‌چون وسیله‌ای مفید (وسیله‌انگاری): رایج‌ترین تعبیر میان فیلسوفان تحلیل زبانی در تلاش برای روشن کردن انواع و نقش‌های مختلف زبان علم، برداشت وسیله‌انگاران از نظریه‌های علمی است؛

۳. نظریه به عنوان صورت ذهنی (ایده‌آلیسم): ایده‌آلیسم [= اصالت صورت ذهنی] در تاکید بر سهم داننده در علم، حتی از وسیله انگاری هم فراتر می‌رود؛
 ۴. نظریه هم‌چون باز نمود جهان (اصالت واقع): اصالت واقعان [= رئالیست‌ها] برخلاف پوزیتیویست‌ها حکم می‌کنند که آنچه واقعی است (یعنی در واقع هست)، مشاهده‌پذیر نیست و برخلاف وسیله‌انگاران، طرفدار این رأی‌اند که مفاهیم معتبر، همان قدر که مفیدند، صادق و حقیقی‌اند و برخلاف ایده‌آلیست‌ها، می‌گویند مفاهیم، ماهیت حوادث جهان را باز می‌نمایند. انگاره‌های داده‌ها فراقنده ما نیست؛ بلکه تا حدّ زیادی ریشه در روابط عینی متن طبیعت دارد. آنچه در تکوین دانش یا معرفت ما سهم تعیین‌کننده دارد، عین معلوم [= ابژه] است؛ نه ذهن عالم [= سوژه]؛ لذا علم کشف و اکتشاف است؛ نه صرفاً جعل و اختراع (شرف‌الدین، ماهیت و چیستی نظریه، ص ۶ - ۷).

[۴] تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه تفسیر اقسامی دارد، مانند:
 الف) استخراج همه علوم از ظواهر آیات قرآن که معمولاً به تأویل منجر می‌شود؛
 ب) تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن که معمولاً به تفسیر به رأی می‌رسد.
 استخدام علوم برای فهم بهتر معانی و مقاصد قرآن می‌باشد. اگر تفسیر علمی به صورت تفسیر به رأی؛ تحمیل نظریه علمی یا نظر مفسر بر قرآن؛ استخراج علوم، با تمسک به تأویل غیر صحیح آیات قرآن؛ و نیز اگر توسط افراد غیر متخصص یا با علوم ظنی، نظریه‌ها و تئوری‌ها یا به وسیله قضایای یقینی (یقین به معنای اعم = اطمینان با احتمال ضعیف طرف مقابل) انجام پذیرد، اعتباری نخواهد داشت (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، ص ۳۹۰ - ۳۸۶).

فهرست منابع

۱. سیدرضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه؛ تحقیق: صبحی صالح، دارالأسوه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۲. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، چ هفتم.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (حیات حقیقی انسان در قرآن)، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۳ ش.
۴. همو، حق و تکلیف در اسلام، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، ویرایش حسین شفیعی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۴.
۵. خاکی، غلامرضا، روش تحقیق در مدیریت، مرکز انتشارات علمی دانشگاهی آزاد اسلامی، بی‌جا، ۱۳۸۴ ش.
۶. خمینی، روح‌الله، شرح دعای سحر؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۱ ش، چ دوم.
۷. رابینز، اسیفن، تئوری سازمان، ترجمه سید مهدی الوانی و حسد دانائی فرد، چاپخانه خوشه، بی‌جا، ۱۳۷۶ ش.
۸. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، دار المنار، قاهرة، ۱۳۷۳ ق، چ چهارم.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. همو، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۳.
۱۱. رضی‌الدین علی بن موسی، ابن طاووس، اقبال الاعمال، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق، چ دوم.
۱۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ق، چ اول.
۱۳. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش یوسف مرعشلی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۵ ق، چ دوم.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بلاغت، قم، ۱۴۱۵ ق، چ دوم.
۱۵. شرف‌الدین، حسین، ماهیت و چیستی نظریه، (جزوه منتشر نشده)، ۱۳۸۶.
۱۶. طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، به کوشش احمد سعدعلی، مؤسسه مصطفی بابی حلبی، قاهرة، ۱۳۵۵ ق، چ اول.

۱۷. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، تفسیر قرطبی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۱۸. قیصری، داود بن محمود، شرح فصوص الحکم، تحقیق؛ دارالاعتصام، منشورات انوارالهدی، قم، ۱۴۱۶ق، چ اول.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، چ سوم.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، به کوشش محمود رجبی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ش، چ اول.
۲۱. هومن، حیدرعلی، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، چاپخانه آزمون، تهران، ۱۳۷۶ش، چ سوم.